

# واقعیت انکارناپذیر جنبش زنان

## کاوه مظفری

در جامعه ای که با واژگونی هر واقعیت، توسط دولت-مردان، تنها معنایی تهی شده و پوچ باقی می ماند؛ جنبش عظیم زنان در ۲۲ خرداد نیز به «تفریح و خودشیرینی» (۱) تعبیر می شود و هر حرکت اعتراضی، حتی بی خشونت ترین و مسالمت آمیزترین آنها، به توطئه «انقلاب مخملی» (۲) متهم می گردد. استحاله محتوای راستین حقوق بشر، تا جایی پیش می رود که مدافعان دولتی (صوری) حقوق زنان، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را «الگویی شکست خورده» می نامند و پیوستن ایران به این کنوانسیون را غیر مجاز می سازند (۳). اما آیا برآستی می توان با واژگون جلوه دادن واقعیت و استحاله مفاهیم، حقایق را کتمان کرد؟ آیا جنبش نیرومند زنان، حقانیتی که پیگیر مطالبات عادلانه خویش است، قابل چشم پوشی است؟ مسلماً خیر، حتی زبردست ترین سورچیان دستگاههای تبلیغاتی نیز قادر به پنهان کردن چنین نیروی فراگیری نمی باشند. شاید، تنها پیامد خواسته یا ناخواسته ای که عاید دولت-مردان می شود، امکان پنهان کردن «خشونت عریانی» است که در مقابله با واقعیت انکارناپذیر جنبش زنان و سایر جنبش های حق طلبانه بکار می برند.

امروز، شکوفایی و گسترش جنبش زنان، تنها یک معنا دارد: افول مردسالاری. اما نظام کهنسال مردسالار، بسیار جان سخت است و به سادگی از منافع ارتجاعی خویش نخواهد گذشت. جایگاه دولت-مردی، ابزار اجرایی این نظام برای بقاء است. هر زمان که پایه های اجتماعی فرهنگ متحجر مردسالار تضعیف می گردد، دولت-مردان به تکاپو می افتند تا از هویت مردانه خویش اعاده حیثیت نمایند، البته به هزینه حثک حرمت زنان. و وقاحت را تا جایی به اوج می رسانند که از خود زنان در پوشش «پلیس زن» برای سرکوب «قهرآمیز» جنبش زنان بهره می گیرند. در حقیقت، جایگاه «دولت-مرد»، جایگاهی مختص مردان نیست، بلکه جایگاهی است در خدمت مردانگی. جایگاهی که زنان را نیز، ابزار نیل به اهداف خود می سازد. زنانی که هویت زنانه خویش را فراموش کرده اند؛ زنانی که بجای عطف مادانه، اینبار چماق خشم دولت-مردان شده اند. و دولت-مردی که به نیابت از تمامی مردانگی جامعه، نقش پدری را تمام و کمال برای «تربیت» زنان جامعه اجرا کرده است. در این میانه، وضعیت زنان پلیس، از همه جالب تر است: ویتروینی برای نمایش قدرت نظام مردسالاری. نمایشی متزلزل و کوتاه مدت، تا هم جنبش راستین زنان سرکوب شود و هم، وجهه ای تبلیغاتی برای حکومت دست و پا گردد. غافل از اینکه همین جایگاه نمایشی پلیس زن نیز، حاصل تلاش یکصدساله جنبش زنان ایران برای احقاق حقوق خویش است. و یکاش زنان پلیس در میدان هفت تیر می دانستند که با چماق بر سر خود می زنند.

زمانی که از یک سو در روز برگزاری تجمع، درجه داران نیروی انتظامی در میدان هفت تیر، علت حضور خود را جمع آوری معتادین و یا برخورد با بدحجابان عنوان می کنند و حاضر نیستند واقعیتی مانند جنبش زنان را بپذیرند؛ و از سوی دیگر، در فردای تجمع، سخنگوی قوه قضائیه به راحتی، اعمال قهر در برخورد با تجمع ۲۲ خرداد را کتمان می کند، و منکر هرگونه ضرب و شتمی از سوی ضابطان نیروی انتظامی می شود (۴)، تنها نتیجه ای که در اذهان متبادر می گردد، هراس دولت-مردان از آشکار شدن ضعف آنها برای مقابله ای «مسالمت جویانه» با تجمعی مسالمت آمیز است. در حقیقت، فرهنگ مردسالار چنان سست و متزلزل گشته است که جز

استفاده از نیروی قهری و بکارگیری خشونت عریان، توان اندیشیدن به گزینه ای، معقول تر را ندارد. مانور قدرت و نمایش خشونت توسط دولت-مردان، نشانه ای بارز از به انتها رسیدن ایدئولوژی مردسالار در توجیه بی عدالتی های موجود است. دیگر فرهنگ عامه نیز پذیرای تحجر برخی قوانین ضد زن نیست، و در واقع اکثریت مردم، بسیار پیشتر از قانون حرکت کرده و از ایدئولوژی رسمی فراتر می روند. اما هنوز، دولت-مردان حتی جسارت پذیرفتن مسئولیت برخورد فیزیکی با جنبش زنان را ندارند، چراکه این بازی جز باخت برایشان نتیجه ای در بر ندارد، چه رسد به پذیرش مطالبات به حق زنان.

تنها کاری که دولت-مردان، همچنان سیزیف وار در حال انجام دادن هستند، دخالت آشکار و کاملاً «پدرانه» در زندگی خصوصی و عمومی مردم است. تعیین سبک پوشش برای افراد جامعه یکی از نشانه های بارز دولت سالاری پدرمآبانه است، همچنین تنظیم چگونگی استفاده از رسانه ها در عصری که به اطلاعات مشهور است، و یا تعیین میزان درآمد کارگران، و بسیاری دیگر. و اگر اعتراضی هر چند مسالمت آمیز شکل بگیرد، دای جان ناپلئون های بسیاری از میان دولت-مردان بر می خیزند تا با کشف توطئه دشمنان، ایران را به امن ترین کشور دنیا بدل کنند. آری، بیماری دیگری که گریبانگیر دولت-مردان است، «توهم توطئه» ایست که بسیار مزمن شده: «دشمن توری را باز کرده است و تلاش می کند برخی افراد را به داخل آن بکشد» (۵)، و این دولت-مردان هستند که باید برای مقابله با حيله دشمنان، بپاخیزند و فریخوردگان را ارشاد نمایند؛ و با انگ و برچسب توطئه، هر اعتراضی را به بیگانه نسبت دهند و جامعه ای سرشار از امنیت برقرار سازند. دولت-مردان به درستی دریافته اند که، بهترین راه پنهان کردن واقعیت، نشان دادن تصویری کاملاً معکوس از آن است. اما جنبش زنان ایران، با انگ و برچسب خاموش نمی شود، با تهدید و تحدید کنار نمی کشد و با قهر و خشونت، تنها و تنها با زبان آرامش و مسالمت سخن می گوید. آری، جنبش زنان همچنان به پیش می تازد.

پی نوشت:

۱. عشرت شایق، نماینده اصولگرای مجلس از تبریز، به نقل از خبرگزاری البرز (۸۵/۳/۲۴)
۲. محسنی اژه ای، وزیر اطلاعات، به نقل از ایرنا (۸۵/۴/۱۱)
۳. طیب زاده نوری، رئیس مرکز امور زنان و خانواده، به نقل از خبرگزاری آفتاب (۸۵/۳/۹)
۴. کریمی راد، سخنگوی قوه قضائیه، به نقل از خبرگزاری حیات (۸۵/۳/۲۳)
۵. همان.